

## به یاد شهید حاج واقف عبدالله اف

/خبرگزاری آران

محمداقاصی دهی &مدیرادیو برون مرزی آران

به نام خدا

قال الحسين (ع) : ان الحياه عقیده و الجهاد

تابستان 1386 که برای چندمین بار میهمان بزرگمردی از تبارعاشوریان ؛ مرحوم حاجی علی اکرام ناردارانی در روستای تاریخی نارداران در جمهوری آذربایجان بودم ایشان خبرنگارانتصاب دکترمحسن صمداف را به رهبری حزب اسلامی آذربایجان؛ تنهاحزب اسلامی که پس از فروپاشی حاکمیت کفروالحاد در آن دیار به رهبری مرحوم حاجی علی اکرام تشکیل شده بود و در راه مبارزه با باطل متحمل مشکلات فراوان شده بود را به حقیر داد و فرمود که مناسب است برای عرض تبریک با ایشان ملاقاتی داشته باشید.

حاجی علی اکرام طی تماس تلفنی قرار ملاقات گذاشت و ما روز بعد راهی دفترحزب در بخش نریمانف باکو شدیم ، با پرس و جو دفترحزب را پیدا کردیم حاجی محسن با سه چهارنفر به استقبال ما آمد ، من غیر از حاجی فیاض دیگران را نمی شناختم ، حاجی محسن مارابه دفترخود برد ، حاجی فیاض ودو نفر دیگررا به دفتردعوت کرد، پس از عرض تبریک و معرفی مختصر شروع به مصاحبه با ایشان کردیم سخنان متعدد حول حزب اسلامی آذربایجان و اهداف و چشم انداز آن از ایشان پرسیدیم ، درخلال مصاحبه از حاجی محسن درموردسابقه ارادت مردم آذربایجان به خاندان عصمت و طهارت (ع) به خصوص حضرت امام حسین (ع) از ایشان پرسیدیم پس از توضیح مختصر ایشان یکی از همراهان که نامش واقف بود و نجابت و نورانیت خاصی از سیمایش نموداربود باصدایی آرام و سخنانی شیوا درحالی که از عمق جان سخن می گفت فرمود ماملت آذربایجان چه در زمان ترزاروس ، چه در زمان حاکمیت کمونیسم و چه پس از استقلال آذربایجان منحل رنج و شکنجه و زندان شده ایم امااز اقامه ی عزای حسینی دست نکشیده ایم پدران ما عزای حسینی را مایه برکت و حیات براساس مکتب حسینی را مایه سرافرازی و راهکار عزت دنیوی و اخروی می دانستند اکنون در شهرما مسالسی در بیشترمساجد در اعیاد و وفیات ائمه اطهار(علیهم السلام ) مجالس مذهبی به رغم ممانعت مأموران دولتی برگزار می گردد.

حاجی واقف هنگامی که سخن می گفت محبت خاصی در دلم نسبت به او احساس می کردم ، او را شخصی می دیدم عالم ، مبارز و مجاهد و درعین حال متواضع و متدین که به آنچه که می گفت باورداشت.

مصاحبه ما با گرفتن عکس یادگاری تمام شد . جامعیت حاجی محسن که روح تازه ای در حزب اسلامی دمیده بود چنان ماراشیفته خود کرده بود که من فراموش کردم اطلاعات جامعی از حاجی واقف و همراهش عاکیف حیدرلی بگیرم ،

از دفترحزب در آمده بودیم که حاجی علی اکرام زنگ زد و از ملاقاتمان پرسید من خلاصه دیدار را گفتم و در مورد شخصیت حاجی واقف از ایشان پرسیدم فرمود از نیروهای حزب الهی و مجاهدحزب اسلامی است ،اهل ماسالی است ، دینداری تمام عیار است ،سابقه یک دهه فعالیت در حزب را دارد، اکنون معاون حزب اسلامی آذربایجان است.

پس از بازگشت ازسفر به بهانه های مختلف جویای حال ایشان و حاجی محسن بودم ، در مطبوعات و سایتها اظهارنظرهای ایشان را گاهی می خواندم ، ایشان در سخنان خود به علاقه ی درونی خود به

نظام جمهوری اسلامی ایران ، امام خمینی (ره)و مقام معظم رهبری ( مدظله ) اشاره می کرد ، ایشان حکومت اسلامی ایران را میراث گرانقدر امام راحل (ره) می دانست که درسایه ی رهبری و پاسداری داهیهان مقام معظم رهبری توانسته است به پیشرفتها و پیروزیهای روزافزون در عرصه های مختلف دست یابد او این پیروزیها را پیروزی اسلام و مایه ی خشنودی مسلمانان می دانست.

حاجی واقف ضمن حمایت همه جانبه از فعالیت صلح آمیزهسته ای ایران ، اعمال تحریم برعلیه ایران را نشان ترس کشورهای غربی ازتوسعه و پیشرفت جهان اسلام می دانست.

حاجی واقف معتقد به توسعه روزافزون روابط ایران و آذربایجان بود او تبلیغات سوء برخی از مطبوعات آذربایجان برعلیه ایران را در تضاد با منافع ملی آذربایجان و توطئه ای ازسوی آمریکا و صهیونیسم برای مانع تراشی در همکاری کشورهای اسلامی می دانست.

حاجی واقف شیفته ی امام راحل ( ره ) بود او امام خمینی (ره) را آمیزه ای از زیباییها و خوبی ها می دانست که هرکس در وجود و شخصیت او آرمان خود را می یافت ، او معتقدبود که امام همواره تکیه به خداداشت و همه ی اندیشه و عملش برمخورخدا بود لذا توانست برای اولین بار حاکمیت و ساختارحکومتی مبتنی بردیدگاه و قوانین اسلامی را به وجودآورد و به نظریه اتحادملی و وحدت اسلامی جامه ی عمل ببوشاند.

حاجی واقف حضرت آیت الله خامنه ای ( مدظله العالی ) را جانشین برحق امام راحل (ره) می دانست و رویکردایشان که حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم بود را تنهاراهکار سرافرازی جهان اسلام می دانست.

ازدیگر ویژگیهای ایشان می توان به روحیه صهیونیسم ستیزی ایشان اشاره کرد. ایشان بارها در اظهارنظرهای خود به حمایت از مردم مظلوم فلسطین و پاسداشت روزقدس پرداخته بود. ایشان احیای آرمان قدس را از مهمترین اقدامات امام خمینی (ره) می دانست و معتقدبود که تعیین روزقدس علاوه برمقابله با توطئه صهیونیست باعث تشکیل حرکتهای مبارک اسلامی درکشورهای لبنان و فلسطین شده است که توانسته است رژیم صهیونیستی را به زانو درآورد.

حاجی واقف اسرائیل را شکست خورده ابدی در جنگ بافلسطین می دانست و معتقدبه حمایت قلبی مردم آذربایجان از ملت مظلوم فلسطین بود.

هدف اصلی صهیونیسم انزطراو تضعیف دین اسلام و ازبین بردن تدریجی آن است امانتیجه کار مرگ و نابودی رژیم غاصب اسرائیل و پیروزی مردم مظلوم فلسطین خواهد بود.

آخرین اظهارنظر ایشان را پس ازجریان منع حجاب خواندم که ایشان قاطعانه خواستارلغو این قانون ضددینی شده بودندو آن را مغایر باشوونات مردم آذربایجان دانسته بودند

پس ازاین اظهارنظر و حمایت قاطعانه ایشان از حجاب در آذربایجان ایشان دردی ماه سال 1389 هنگامی که به همراه حاجی محسن صمداف و چندتن ازاعضای حزب ازدفترحزب خارج شده بودند دربین راه ازسوی پلیس بازداشت شده و به بازداشتگاه موقت حزب درمنطقه نریمانف باکو منتقل شدند. ابتدا به پانزده روز زندان زندان محکوم شدند در ادامه بدون هیچ دلیلی محکومیت ایشان به سه ماه افزایش یافت ، بنا به بهانه بررسی کامل پرونده ، پس از نه ماه جنجال سیلسی و ستارویسازیهای نابردانه در روز پانزدهم مهرماه ایشان به جرم واهی تلاش برای براندازی نظام ، حمل و نگهداری سلاح و فعالیت علیه امنیت ملی آذربایجان به یازده سال زندان محکوم شدند ، حاجی محسن و دیگران نیزبه محکومیت مشابهی گرفتارشدند.

نزدیک به دوماه بود که اخباری از بیماری ایشان در زندان به گوش می رسید تااینکه وخامت وضعیت ایشان راشنیدم برای سلامتی او دعا می کردم و ازخداوندمتعال می خواستم که دراین وضعیت حساس آذربایجان وجود او را که درراه عقیده و جهاد صرف شده بود از دسیسه های دشمنان مصون بدارد اما افسوس که روز 5 شنبه بیست و دوم تیرماه خبرنگارگواری برایم ارسال شد ، باورنداشتم باچندنفرتماس گرفتم اما گویا سخن راست بود حاجی واقف عبدالله اف دانش آموخته مکتب حسینی ، مردی که مشی اش تواضع و منطقتش صواب بود، مجاهدی که مشکلات فراوانی را به جان خرید به اما همانندمولایش حسین با یزیدزمان بیعت نکرده بود ، مبارزی که همانندسرورش موسی بن جعفر(ع) اسیر زندانهای طولانی شده بود اکنون عازم سفرازدی فی مقدصدق عندملیک المقتدر شده بود.

سخن ناگواری بود اما وعده الهی که شهدازنده اند و متنعم از سفره ی انعام الهی اند دل را تسلی می داد.

این فروریخته گل‌های پریشان درباد که از می جام شهادت همه مدهوشانند

یادشان زمزمه ی نیمه شب مستان باد تا نگویند که از یاد فراموشانند.

اکنون که به توفیق مجاورت در حرم قدسی و عرشی هشتمین اخترتابناک آسمان امامت و ولایت علی بن موسی الرضا (ع) نایل آمده ام به نیابت از حاجی واقف نماززیارتی خوانده و ضمانت او را از

ضامن شیعیان دلخسته خواستار شدم. خدوند روح آن بزرگوار راشد و اسباب آزادی برادران مجاهد و مبارز جمهوری آذربایجان را عنایت فرماید انشالله